

فرهنگپژمان

فرهنگپژمان

شنبه ۹ اسفند ۱۴۰۴

شماره ۴۶۴۰

فارحیکهتگاندaily.com

فارحیکهتگانonline

فرهنگپژمان

فرهنگپژمان

تقریباً هیچ مفهومی به اندازه «شکاف نسلی» در سال‌های اخیر، هم‌زمان این قدر پرنتکار و مبهم نبوده است.د. در گفت‌وگوهای روزمره، در تحلیل‌های رسانه‌ای و حتی در برخی سیاست‌گذاری‌ها، نسل جدیداغلب‌به‌مثابه‌پدیده‌ای گسسته، متفاوت و بعضاً بی‌پیوند با گذشته تصویر می‌شود؛ نسلی که گویا نه ارزش‌های پیشینیان را می‌شناسد و نه خود را در امتداد آن‌ها تعریف می‌کند. اما مسئله دقیقاً از همین جا آغاز می‌شود. آیا آنچه درباره نسل امروز گفته می‌شود، حاصل مشاهده دقیق است یا بازتاب نگرانی‌های نسلی که با سرعت تحولات کنار نیامده است؟ واقعیت این است که هر نسلی، در مقطعی از تاریخ، مهمت به متفاوت بودن شده است. این درحالی است که اساساً تفاوت، ذات تغییرات اجتماعی است و این تفاوت لزوماً به معنای شکاف نیست. شکاف زمانی معنا پیدا می‌کند که پیوندهای ارزشی‌سی از هم گسسته باشند، زبان مشترک از میان رفته باشد و امکان گفت‌وگو وجود نداشته باشد. پرسش اصلی اینجاست، آیا نسل امروز واقعاً چنین وضعیتی دارد یا فقط شیوه‌های بیان و انتخابش با گذشته فرق کرده است؟

آنچه از مشاهده‌زیست‌روزمره جوانان امروز برمی‌آید، بیش از آنکه نشانه‌بریدگی باشد، نشانه محاسبه‌گری است. این نسل، در جهانی بزرگ شده که ثبات در آن کمیاب است؛ آینده قابل پیش‌بینی نیست و تصمیم‌ها هر زنده‌پر شده‌اند. طبیعی است که در چنین فضای، انتخاب‌ها با وسواس بیشتری انجام شوند و ارزش‌ها در قالبی متفاوت صورت‌بندی شوند. این رویکرد، نه نشانه بی‌اعتدای، بلکه نشانه تلاش برای سازگار کردن معنا با واقعیت است.

برخلاف تصویر رایج، جوان امروز الزاماً سرکش یا بی‌پروا نیست؛ او در عین هیاهو محتاط است. محتاط در انتخاب‌شغل، در تصمیم‌برای ازدواج، در اعتماد کردن و حتی در ایزاد باورهایش. این احتیاط، محصول تجربه زیسته‌ای است که در آن، پیامد تصمیم‌ها سنگین‌تر از گذشته شده است. همین ویژگی، در بسیاری از تحلیل‌های سطحی، به‌اشتباه‌به‌عنوان فاصله‌گرفتن از ارزش‌ها تفسیر می‌شود. در حالی که مسئله اصلی، تغییر مسیر رسیدن به همان ارزش‌هاست. خانواده، امنیت روانی، احترام، پیشرفت و معنا همچنان مهمند، اما دیگر نمی‌توان بدون توضیح، بدون گفت‌وگو و بدون فراهم بودن شرایط، انتظار پذیرش بی‌چون‌وچرا داشت.

گزارش‌پیش‌رو با تکیه بر داده‌ها و تحلیل‌های ارائه‌شده در مقاله «در جست‌وجوی زندگی و آزادی؛ مروری بر ارزش‌ها و نگرش‌های نسل زد» منتشرشده توسط پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات و تهیه شده توسط «مرکز رصد فرهنگی کشور» می‌کوشد به پرسش‌های مطرح شده پیرامون عقاید، تصمیمات و وضعیت نسل جدید پاسخ دهد.

نسل Z دقیقاً درباره چه چیزهایی حرف می‌زند؟

برای فهم یک نسل، باید دید درباره چه چیزهایی سکوت نمی‌کند. موضوعات پرنتکار گفت‌وگوهای نسل امروز، به‌خوبی نشان می‌دهد که ذهن او کجا درگیر است و چه مسائلی را حیاتی می‌داند. کیفیت زندگی، امنیت روانی و امکان برنامه‌ریزی برای آینده، از مهم‌ترین محورهای فکری نسل جدید است. این تمرکز، نتیجه نوعی واقع‌بینی است. وقتی مسیرهای سنتی موفقیت دیگر تضمین شده نیستند، طبیعی است که جوانان بخواهند پیش از هر تصمیمی، نسبت‌هزینه و فایده آن را بسنجند. این سسنجش، نه نشانه محافظه‌کاری افراطی، بلکه نشانه بلوغ زود هنگام است. نسل امروز، بیش از آنکه به شعارها واکنش نشان دهد، به تجربه‌های ملموس توجه می‌کند. او می‌پرسد این انتخاب چه تأثیری بر زندگی واقعی من دارد؟ از سیاست، این هنجار یا این توصیه، چه تغییری در زیست‌روزمره ایجاد می‌کند؟ همین نگاه کاربردی، باعث شده بسیاری از مفاهیم انتزاعی، تنها زمانی پذیرفته شوند که بتوانند در عمل معنا پیدا کنند.

نکته مهم دیگر، حساسیت بالای این نسل نسبت به صداقت است. دوگانه گفتار و عمل، بیش از هر چیز دیگری، اعتماد او را فرسوده می‌کند. به همین دلیل، جوان امروز به‌سرعت از روایات کلی و غیرملموس فاصله می‌گیرد و به سمت تجربه‌های شخصی و منابعی می‌رود که شاید موثق نباشد، اما این احساس را به او می‌دهد که با زندگی واقعی‌اش هم‌خوانی دارند. بر اساس داده‌های این مقاله همانطور که پیداست نسل Z نیز درباره همان چیزهایی حرف می‌زند که همیشه مهم بوده‌اند، یعنی امنیت، معنا، آینده و انتخاب. اما تفاوت در اینجاست که او دیگر حاضر نیست این مفاهیم را به‌صورت آماده بپذیرد. او می‌خواهد بداند، بفهمد و سپس تصمیم بگیرد. همین ویژگی، اگر درست فهمیده نشود، به‌راحتی می‌تواند به‌عنوان شکاف تعبیر شود؛ در حالی که در واقع، نشانه شکل‌گیری نسلی است که مسئولیت انتخاب‌هایش را جدی‌تر از گذشته می‌گیرد.

مادری برای نسل جدید هم فضیلت است

یکی از سوءتفاهم‌های رایج درباره نسل جدید این است که تصور می‌شود فاصله‌گرفتن از ازدواج، به معنای فاصله‌گرفتن از خانواده و ارزش‌های مرتبط با آن است. اما وقتی دقیق‌تر به نگرش‌ها نگاه می‌کنیم، این تصویر ساده‌انگارانه فرو می‌ریزد. آنچه تجربه کرده، اصل ارزش‌ها نیست؛ بلکه شرایطی است که

یک گزارش علمی از نگرش نسل جدید دربارهٔ سبک زندگی، سیاست، فرهنگ و…

این نسل هیولا نیست

قرار است این ارزش‌ها در آن محقق شوند. بر اساس پژوهش صورت گرفته؛ بخش قابل‌توجهی از جوانان امروز، صریح و بدون تعارف می‌گویند که تمایل چندانی به ازدواج ندارند، حتی پیش از نیمی (۵۲٫۵ درصد) از آن‌ها، زندگی مجردی را در وضعیت فعلی به ازدواج ترجیح می‌دهند. این گزاره، در نگاه اول، می‌تواند نشانه‌ای از گسست تلقی شود؛ اما همین تصویر، وقتی کنار سایر نگرش‌ها قرار می‌گیرد، معنای متفاوتی پیدا می‌کند. زیرا بر اساس پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان در سسال ۱۴۰۲ هم‌زمان، اکثریت قاطع (۹۶ درصد) همین جوانان، مادری را یک فضیلت می‌دانند و ۷۹٫۵ درصد خود را در آینده در موقعیت داشتن فرزند تصور می‌کنند. این دوگانه ظاهری (کاهش تمایل به ازدواج در کنار ارزش‌گذاری بالای مادری) دقیقاً کلید فهم نگاه نسل جدید است و این نسل، حذف خانواده نیست، مسئله، نامطمئن بودن مسیر رسیدن به خانواده‌ای امن و پایدار است. ازدواج، برای بسیاری، دیگر یک انتخاب‌دیدهی و کم‌هزینه نیست؛ تصمیمی است که پیامدهای اقتصادی، روانی و اجتماعی سنگینی دارد. به همین دلیل، عقب‌نشینی از ازدواج، بیشتر شبیه تعلیق یک تصمیم است تا انکار یک ارزش. جالب آنجاست کسانی که وارد ازدواج شده‌اند، طبق این پژوهش در اغلب موارد از انتخاب خود راضی‌اند. بخش بزرگی از متاهلان جوان می‌گویند اگر به عقب بازگردند، باز هم همین مسیر را انتخاب می‌کنند. این رضایت، نشان می‌دهد مسئله در خود نهاد ازدواج خلاصه نمی‌شود؛ بلکه در دسترس‌پذیری آن برای همه نهفته است. ازدواج، وقتی محقق می‌شود، همچنان معنا دارد؛ اما راه رسیدن به آن برای بسیاری سسود و پرهزینه شده است. در کنار این نگاه، تغییر مهم دیگری هم دیده می‌شود، و آن نقد جدی مناسبات سنتی قدرت در خانواده است، یعنی نسل جدید، خانواده را می‌خواهد، اما نه به هر قیمتی. مخالفت گسترده با این تصور که نقش زن به خانه‌داری محدود است، تأکید بر حق برابر در تصمیم‌های سرنوشته‌ساز مانند طلاق، و پذیرش برابری در ارث، نشان می‌دهد جوانان امروز به دنبال خانواده‌ای عادلانه‌تر هستند، نه خانواده‌ای مبتنی بر سلسله‌مراتب قدیمی. این نگاه، ازدواج را از یک وظیفه اجتماعی به یک پروژه مشترک تبدیل کرده است؛ پروژه‌ای که فقط در صورتی ارزشمند است که امنیت، احترام و برابری را تضمین کند. در چنین چهارچوبی، طبیعی است برخی ترجیح دهند صبر کنند، برخی عقب بکشند و برخی مسیرهای جایگزین را بررسی کنند. در مجموع، نسل جدید نه خانواده‌گریز است و نه ضد والدگری. آنچه دیده می‌شود، تلاش برای بازتعریف خانواده بر اساس واقعیت‌های امروز است. ارزش‌ها همچنان پابرجاهستند، اما دیگر قرار نیست در قالب‌هایی محقق شوند که با زیست‌روزمره همخوانی ندارند. این تمایز ظریف، اگر نادیده گرفته شود، به‌سادگی می‌تواند به پرسش بحران ارزش‌ها منجر شود. در حالی که آنچه در جریان است، بیشتر شبیه چانه‌زنی یک نسل با آینده‌اش است. (نمودار ۱)

دین‌داری در نسل جدید، تغییرشکل داده است

وقتی پسی دین و معنویت به میان می‌آید، تصویر نسل جدید اغلب با یا برجسب «بی‌دینی» یا «دین‌گریز» ساده می‌شود. اما اگر لایه‌های زیرین را نگاه کنیم، با وضعیتی روبه‌رو می‌شویم که نه به سادگی انکار است و نه استمرار بی‌کم‌وکاست گذشته؛ وضعیتی است که در آن، باورها حفظ شده‌اند اما مسیر ابراز و مرجعیت‌شان تغییر کرده است. نشانه‌های ظاهری دینداری، در بسیاری از جوانان امروز کم‌رنگ‌تر شده است. پایبندی به نماز و روزه، حضور در نماز جماعت، رفتن منظم به زیارت و مشارکت در آیین‌های رسمی، آن فراگیری نسل‌های قبل ندارند. از بیرون، این تصویر به‌راحتی می‌تواند به «افول دینداری» تعبیر شود. اما همین نسل، در لایه باور، تصویری کاملاً متفاوت ارائه می‌کند، بر اساس پژوهش صورت گرفته بخش بزرگی از جوانان همچنان به خدا توکل می‌کنند، به آخرت باور دارند و نسبتب به اهل‌بیت(ع) احساس ارادت و محبت دارند. حتی میل به تجربه‌هایی مانند حج یا پیاده‌روی اربعین، برای عده قابل‌توجهی جذاب است.

۶۲ درصد جوانان معتقدند در استفاده از اینترنت آزاد هستند

از آمار قابل‌توجه این پژوهش نگرش جوانان به آزادی‌های اجتماعی و فرهنگی است. براساس داده‌های دریافت‌شده از نسل Z، ۶۲٫۷ درصد از جوانان معتقدند برای استفاده از اینترنت آزادی دارند، همچنین ۴۶٫۹ درصد از نسل Z بر این باورند برای حضور در کنسرت‌های موسیقی نیز آزادی دارند. از دیگر آزادی‌های اجتماعی مطرح شده در این پژوهش، آزادی در برگزاری جشن‌ها و مهمانی‌هاست که ۴۱٫۹ درصد از جوانان نسل زد گفته‌اند تا حد زیادی آزادی در برگزاری جشن‌ها و مهمانی‌ها آزادند. (نمودار ۲)

نسل Z ایرانی موافق مبارزه با اسرائیل است

عدالت، حمایت از مستضعفان، آزادی قدس، مبارزه با اسرائیل و بهبود رابطه با غرب ضمن حفظ توان هسته‌ای و موشکی کشور از جمله اهداف سیاسی مورد قبول بسیاری از جوانان نسل زد هستند. آنها معتقدند ایران باید رابطه خود را با کشورهای دیگر بهبود ببخشد و اولویت باید در وهله اول رابطه با کشورهای

منطقه و در وهله دوم کشورهای غربی و آمریکا باشد. ۷۴٫۶ درصد از جوانان بر گسترش عدالت و حمایت از مستضعفان جهان، ۶۱٫۳ درصد از جوانان بر بهبود رابطه با غرب بدون واگذاری توان هسته‌ای و موشکی و ۵۳٫۹ درصد از جوانان نیز به آزادی قدس و مبارزه با اسرائیل باور دارند. (نمودار ۳)

۵۷٫۲ درصد از جوانان عقیده دارند وضعیت را باید با اصلاحات درست کرد

اگر بخواهیم حال‌وهوای نسل جدید را در نسبت با جامعه و آینده توصیف کنیم، باید از یک دوگانه ساده عبور کنیم، این نسل نه فقط «ناامید» است و نه صرفاً «معترض». تصویر واقعی‌تر، ترکیبی است از واقع‌بینی سخت‌گیرانه و امید مشروط، یعنی آمیدی که دیگر با شعار روشن نمی‌شود و برای روشن ماندن، به دلیل و امکان نیاز دارد. در سطح زندگی شخصی، ناراضی‌گویی نیست. بر اساس پژوهش صورت گرفته، نزدیک به ۳۸ درصد از جوانان امروزی گفته‌اند از زندگی در ایران ناراضی‌اند. بااین‌حال، همین جایک‌نکته کلیدی دیده می‌شود، بخش قابل‌توجهی از جوانان امروزی بر اساس پژوهش‌های صورت گرفته هنوز به بهتر شدن فکر می‌کنند، اما نه به معنای بازگشت خودکار امید. ۵۷٫۲ درصد از جوانان نیز گفته‌اند وضعیت را باید با اصلاحات درست کرد. در مقابل ۳۳٫۱ درصد اساساً وضعیت را غیرقابل اصلاح دانسته‌اند. این شکاف، نشان می‌دهد امید برای نسل جدید یک احساس راماتیکی نیست؛ یک محاسبه است. اگر راه اصلاح واقعی باشد، می‌شود ایستاد، حتی در یک صورت‌بندی نزدیک‌تر به زبان روزمره هم همین دوگانه دیده می‌شود، ۳۷ درصد از جوانان امروزی بر این باورند که وضع موجود با اصلاح ساختارها، سیاست‌ها، رویه‌ها بهتر می‌شود. امید در این نسل، بیش از هر چیز به اثرگذاری گره‌خورده است؛ اینکه فرد حسن کند کنش او (از رای و مشارکت تا کار و تلاش) واقعاً چیزی را جابه‌جا می‌کند. وقتی این حسن فروریزد، حتی امید هم به آرزو تبدیل می‌شود. یک جمله از دل همین تجربه، فضا را روشن می‌کند؛ «دل‌م می‌خواهد امید داشته باشم که اوضاع می‌تواند بهتر شود…» این جنس حرف، صرفاً سیاسی نیست؛ روان‌شناسی اجتماعی یک نسل است. کسی که فکر می‌کند «اثر ندارد»، منطقی‌تر می‌شود، محتاط‌تر می‌شود و به‌جای خیال‌پردازی، به دنبال خروج‌های قطعی‌تر می‌گردد، امنیت، ثبات، آینده قابل‌پیش‌بینی.

بیشترین اعتماد جوانان امروزی به ارتش کشوراست

در سطح روابط اجتماعی هم مسئله فقط بی‌اعتمادی به معنای کلی نیست؛ بی‌اعتمادی جهت‌دار است. ۵۵ درصد از جوانان بر اساس پژوهش صورت گرفته گفته‌اند اعتماد مردم به همدیگر در سطح پایین است، یعنی تجربه روزمره، تجربه احتیاط است. آدم‌ها کمتر روی هم حساب می‌کنند، کمتر به هم اطمینان می‌دهند، و بیشتر دنبال ضمانت و سند و پشتوانه‌اند. اما در همین فضای محتاط، اعتماد کاملاً فروپاشیده؛ فقط از نقش‌های نمادین به سمت کارکردهای قابل‌سنجش حرکت کرده است. در نهاد‌های حاکمیتی بیشترین اعتماد به ترتیب به ارتش، نیروی انتظامی و سپاه پاسداران است. همچنین کمترین اعتماد به مجلس بوده است. در بین اقشار و اصناف، اعتماد بالاتر به پزشکان (نزدیک به ۵۵ درصد) و بعد به استادان دانشگاه و معلمان (تقریباً ۴۷ درصد) نشان می‌دهد معیار اعتماد، تخصص و کارآمدی است. در مقابل، گروه‌هایی که اعتمادشان پایین‌تر از ۲۰ درصد مانده، در ذهن نسل جدید بیشتر با قدرت، نمایش، یا منافع گره خورده‌اند تا با خدمت ملموس و وقتی بیشترین بی‌اعتمادی نیز متوجه سیاست‌مداران است، این پیام ساده را می‌دهد که نسل جدید، به وعده‌ها کمتر توجه می‌کند و کارنامه‌نهادها برای او مهم‌تر است.

۵۴٫۵ درصد از جوانان نگران از دست‌دادن شغلشان هستند

در این نسل از یک‌سو هنوز احساس امنیت مطلقاً از بین نرفته و نزدیک به ۵۵ درصد ایران را کشور امنی دانسته‌اند. اما هم‌زمان، نیمی از جوانان معتقدند مال و اموال مردم در امان نیست، ۵۴٫۵ درصد نگران از دست‌دادن شغلشان هستند. در چنین وضعی، طبیعی است عقلایت نسل جدید به سمت راه‌حل‌های کم‌ریسک‌تر برود؛ از تعویق انداختن تصمیم‌های بزرگ تا انتخاب‌هایی که احتمال شکست را کاهش دهد.

بخش عمده فراغت نسل جدید به صفحه‌نمایش و اینترنت گره‌خورده است

سبک زندگی نسل جدید را باید در نحوه گذران فراغت او جست‌وجو کرد؛ جایی که هم فشارهای روزمره تخلیه می‌شود و هم رابطه او با جامعه، فرهنگ و فضای بین‌الملل شکل می‌گیرد. میانگین اوقات فراغت جوانان ۱۵ تا ۲۹ساله در هفته ۱۱ ساعت و ۴۸ دقیقه است. اما الگوری فراغت آن‌ها نه کاملاً سنتی است و نه تماماً مدرن، بلکه ترکیبی از هر دو است. مهمانی و دورهمی خانوادگی همچنان وجود دارد، اما در کنار آن کافه‌رفتن، وقت‌گذرانی با دوستان و فعالیت‌های فردمحور مثل تهاقیل دیدن یا موسیقی‌گوش دادن هم جای پررنگی دارد. این ترکیب نشان می‌دهد که فردیت در حال تقویت است، اما

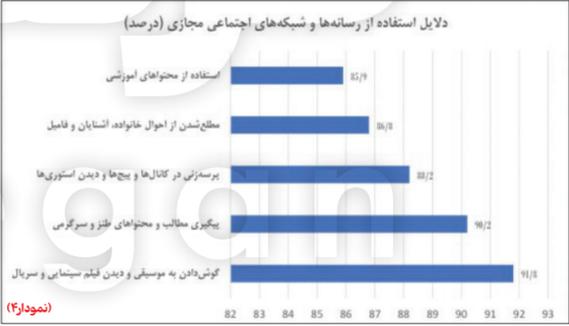
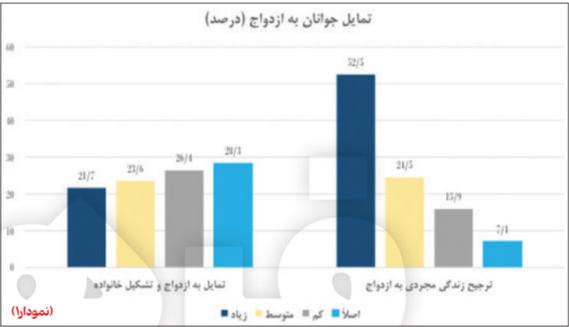
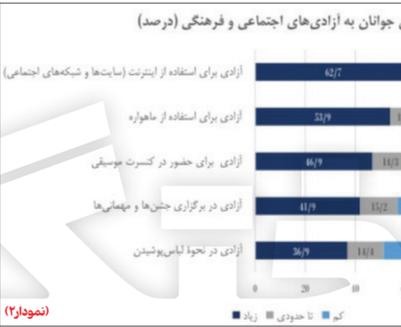
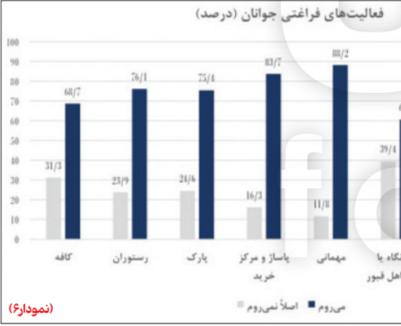
هنوز پیوند‌های اجتماعی کاملاًگسسته نشده‌اند. بااین‌حال، وقتی میزان مصرف زمانی فعالیت‌ها سنجیده می‌شود، تصویر شفاف‌تر می‌شود. پنج فعالیتی که جوانان بیشترین ساعات هفتگی خود را صرف آن‌ها می‌کنند، به ترتیب شامل دیدن فیلم و سریال، استفاده از شبکه‌های اجتماعی، انجام بازی‌های رایانه‌ای، ورزش و گوش دادن به موسیقی است. این الگو نشان می‌دهد بخش بزرگی از فراغت، به فعالیت‌های مبتنی بر صفحه‌نمایش و اینترنت گره‌خورده و زندگی روزمره، بیش از هر زمان دیگری در قلمرو رسانه‌ها جریان دارد. در حوزه فیلم و سریال، سلیقه نسل جدید به‌وضوح فراملی است. در پیمایش سبک زندگی، فیلم‌ها و سریال‌های آمریکایی در رتبه نخست مصرف قرار دارند و پس از آن، سریال‌های ایرانی و سپس فیلم‌های سینمایی ایرانی دیده می‌شوند. اما نکته مهم‌تر، مسیر دسترسی به این محتواست. جوانان عمدتاً فیلم و سریال‌ها را از کانال‌های تلگرامی دانلود می‌کنند یا از تلویزیون داخلی تماشا می‌کنند و استفاده از تارنماهای اینترنتی و پلتفرم‌های آنلاین داخلی مانند فیلمیو و نماوادر رتبه‌های بعدی قرار می‌گیرد. این الگو نشان می‌دهد که مصرف فرهنگی، الزماً از مسیرهای رسمی و طراحی‌شده عبور نمی‌کند و عادت رسانه‌ای نسل جدید بر یافتن محتوا بنا شده، نه تبعیت از بسترهای ازبیش‌تعیین‌شده. موسیقی نیز جایگاه ویژه‌ای در این سبک زندگی دارد و کارکردی فراتر از سرگرمی ساده پیدا کرده است. سه‌سبک پرطرفدار موسیقی در میان جوانان، پاپ ایرانی، موسیقی بی‌کلام و راک و رپ ایرانی هستند. این تنوع سبکی، بیانگر زیست چندلایه نسل جدید است، از موسیقی‌ای که با جریان اصلی فرهنگ عمومی همراه است تا سبک‌هایی که بیشتر برای تمرکز، خلوت شخصی یا بیان احساسات فشرده و گاه معترضانه استفاده می‌شوند. موسیقی، برای بسیاری از جوانان، ابزاری برای تخلیه احساسی، تنظیم روان و معنا دادن به تجربه زیسته روزمره است. زیست رسانه‌ای این نسل بدون شبکه‌های اجتماعی قابل‌تصور نیست. اینستاگرام، تلگرام و واتساپ محبوب‌ترین شبکه‌های اجتماعی هستند و پس از آن‌ها پیام‌رسان‌های داخلی قرار می‌گیرند. در پیمایشی، پس از اینستاگرام و تلگرام، روبیکا و سپس واتساپ گزارش شده است. این داده‌ها نشان می‌دهد که جوانان به‌صورت هم‌زمان در چند پلتفرم حضور دارند، اما همه‌سته اصلی ارتباطات و مصرف محتوا همچنان در شبکه‌هایی شکل می‌گیرد که دسترسی گسترده‌تر، محتوای متنوع‌تر و شبکه انسانی فعال‌تری دارند.

این حضور گسترده، اما در بستری شکل گرفته که فیلترینگ جزئی از آن است. نسل جوان، «نسل اینترنت، فیلترینگ و عبور از فیلترینگ» است؛ نسلی که استفاده مداوم از وی‌پی‌ان برایش با یک وضعیت عادی تبدیل شده است. علت اقبال کمتر به شبکه‌های اجتماعی داخلی نیز به‌روشنی بیان شده، کیفیت پایین و نبود اطمینان نسبت به امنیت اطلاعات شخصی. در نتیجه، بسیاری از جوانان ترجیح می‌دهند همواره با وی‌پی‌ان به اینترنت متصل باشند. روایت‌های مستقیم جوانان از یافتن فیلم‌ها و کتاب‌ها در تلگرام یا روشن شدن دامی وی‌پی‌ان، به نشان می‌دهد «دورزدن محدودیت» دیگر یک کنش استثنایی نیست، بلکه بخشی از سبک زندگی روزمره شده است. در نهایت، انگیزه اصلی استفاده از رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی، نه مشارکت سیاسی و نه تولید محتوا، بلکه سرگرمی است. گوش دادن به موسیقی، تماشای فیلم، پیگیری مطالب طنز و سرگرمی، پرسه‌زنی در صفحات و کانال‌ها و دیدن استوری‌ها، دلایل اصلی مصرف رسانه‌ای جوانان را تشکیل می‌دهد. این الگو نشان می‌دهد شبکه‌های اجتماعی، برای نسل جدید، بیش از هر چیز فضایی برای تخفیف‌فشار، بر کردن شکاف‌های زمانی و حفظ ارتباطات حداقلی است. (نمودار ۴-۵-۶)

مسئله‌بین‌دو نسل شکاف نیست، محاسبه است

در نهایت می‌توان گفت تصویری که از نسل جدید به دست می‌آید، تصویر نسلی گسسته، بی‌اعتقاد یا بریده از جامعه نیست؛ بلکه نسلی است که شیوه مواجهه‌اش با زندگی تغییر کرده است. آنچه تغییر کرده، اصل ارزش‌ها نیست، بلکه منطق تصمیم‌گیری درباره آن‌هاست. خانواده، امنیت، معنا، اخلاق و آینده همچنان مسئله‌اند، اما اما مسیر رسیدن به آن‌ها دیگر دیدهبی و خطی تلقی نمی‌شود. در حوزه خانواده و روابط، تعویق ازدواج و تردید نسبت به شکل‌های سنتی زندگی مشترک، نه نشانه نفی خانواده، بلکه نتیجه حساسیت بالاتر نسبت به کیفیت آن است. نسل جدید خانواده‌ای می‌خواهد که عادلانه، پایدار و امن باشد و وقتی شرایط تحقق چنین الگویی را نامطمئن می‌بیند، ترجیح می‌دهد تصمیم را به تعویق بیندازد. این تعویق، بیش از آنکه نشانه گسست ارزشی باشد، نشانه احتیاط است.

در دین‌داری و اخلاق نیز با همین منطق روبه‌رویم. فاصله‌گرفتن از نهادها و مناسک رسمی، هم‌زمان با تداوم باورهای بنیادین دینی، نشان می‌دهد که دین از زندگی حذف نشده، بلکه به‌صورت انتخابی و گزینشی درآمده است. اخلاق هم همچنان یک معیار قضاوت است، اما ارزیابی منفی از اخلاق عمومی جامعه، بیش از هر چیز بازتاب شکاف میان باور فردی و تجربه اجتماعی است. در نهایت، مسئله امروز رانمی‌توان با مفهوم ساده شکاف نسلی و تفاوت‌ماهوری بین‌نسلی توضیح داد. آنچه با آن روبه‌رویم، تغییر در شیوه زیستن و محاسبه زندگی است. نسلی که کمتر تعهد فوری می‌دهد، اما اگر وارد مسیری شود، آن را آگاهانه انتخاب می‌کند. فهم این منطق، شسرط هر گفت‌وگری واقعی با نسل جدید است.



فرهنگپژمان